

نقش منطقه‌گرایی بر روابط ژئواکونومی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا مجید قصاب زاده

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد اخباری^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

داوود حسن آبادی

استادیار اقلیم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵

چکیده

با پایان یافتن جنگ سرد، روند همگرایی منطقه‌ای وارد مرحله جدیدی شد. به علت اولویت یافتن فعالیتهای اقتصادی بر اقدامات نظامی و بروز ایده ژئواکونومی، بیشتر توافقات منطقه‌ای در قالب همکاری‌های متقابل اقتصادی تعریف شده است. این تحقیق در صدد است نقش منطقه‌گرایی بر روابط ژئواکونومیک ایران و کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و سایتهای معتبر نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام گردیده است. منطقه جنوب غرب آسیا به دلیل دارا بودن منابع انرژی و ظرفیتهای ژئواکونومی مرکز توجه جهانی قرار گرفته است. کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ قرار گرفتن در حوضه مهم خلیج فارس و منطقه جنوب غرب آسیا و دارا بودن منابع انرژی، علاوه بر اهمیت ژئوپولیتیکی و استراتژیکی اهمیت ژئواکونومیکی ویژه‌ای پیدا کرده است. کشور جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌مندی از این ظرفیت و با ایجاد همگرایی منطقه‌ای و منطقه‌گرایی با کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا به اهداف ژئواکونومیک در منطقه دسترسی پیدا کند. اما ج.ا.ایران تا کنون در ایجاد منطقه‌گرایی و همگرایی‌های منطقه‌ای به منظور دستیابی به رهبری ژئوپولیتیکی و قدرت تاثیرگذاری بر سیاستهای انتقال انرژی در منطقه موفق نبوده است.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی، همگرایی منطقه‌ای، ژئواکونومی، ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک، ایران، منطقه جنوب غرب آسیا، خاورمیانه

^۱ نویسنده مسئول (Dr.m.akhbari@gmail.com)

مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپولیتیک روی داد. به گونه‌ای که ژئوپولیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت. ادوارد لوتواک در سال ۱۹۹۰ میلادی پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد در واقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر میرسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپولیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است. اما باید اذعان نمود که چیزی غیر و یا در برابر ژئوپولیتیک نیست بلکه جزئی از ژئوپولیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپولیتیک در عصر حاضر است. با مطرح شدن این مفهوم در ژئوپولیتیک مناطق جغرافیایی برخلاف دوران جنگ سرد، از بعد دیگری، یعنی توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز مطرح گردیدند. به عبارت دیگر در قرن بیست و یکم مناطق که دارای انرژی هستند با محل عبور آن مورد توجه قرار می‌گیرند. در حال حاضر «انرژی متغیری تاثیرگذار در تدوین استراتژیها به حساب می‌آید» (عزتی، ۱۳۸۴، ۲۹).

در ترتیب و اولویت‌بندی منافع و قدرت ملی و ابزارهای نفوذ جهانی، توان اقتصادی هر کشور مهمترین جایگاه را در سالهای اخیر به خود اختصاص داده است. در سده بیست و یکم، توانمندی اقتصادی در سطح بین‌الملل و کنترل تولید و عرضه مصرف کالاهای اقتصادی بسیار مهم است. مناطق ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیک منطبق بر مناطقی است که دارای منابع انرژی سرشار و همچنین تولید ناخالص هنگفت می‌باشد. حال اگر مناطق استراتژیک دوران جنگ سرد (ژئوپولیتیک) منطبق با عوامل اقتصادی (ژئواکونومی) گردد، آن مناطق موقعیتی بین‌المللی خواهند یافت که غیر قابل جایگزین بوده و نقشی محوری در تدوین استراتژیهای جهانی پیدا خواهند کرد (رحیم پور، ۱۳۸۴/۱۲/۸).

بطور کلی عوامل و عناصر جغرافیایی و بطور خاص مناطق جغرافیایی در رویدادها و فرآیندهای سیاسی نقش دارند. یکی از این مناطق جغرافیایی منطقه خاورمیانه است که نقش بی‌بدیلی را در رویدادهای جهان ایفا کرده و میکند. این منطقه به دلایلی از جمله انرژی، گذرگاههای آبی و استراتژیک، وجود رژیم صهیونیستی و امنیت آن برای قدرتهای بزرگ، بازار معروف منطقه و... از اهمیت زیادی در معادلات جهانی برخوردار می‌باشد (اخباری، ۱۳۸۳، ۶۹).

بنابراین در سرآغاز هزاره سوم، خاورمیانه همچنان بین‌المللی ترین منطقه دنیاست. مسائل این منطقه محل تداخل منافع بازیگران خارجی بوده و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه در ارتباط می‌باشد. همچنین هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه در تبیین مولفه‌های جغرافیایی و پیوند آن با رفتارهای سیاسی اهمیت ندارد. باید علت این امر را از اهمیت نقش خاورمیانه در رفتار منطقه‌ای قدرتهای بزرگ و همچنین میزان تنشهای منطقه‌ای جستجو کرد. بنابراین مطالعه و تحقیق درباره این منطقه استراتژیکی از جهات بسیار حائز اهمیت است.

در قرن حاضر نیز این منطقه استراتژیک با اغلب تفکرات ژئواکونومیکی بر سایر مفاهیم همچنان در رأس مناطق استراتژیک دنیاست. چرا که این منطقه در طبقه‌بندی مناطق جدید براساس مفاهیم ژئواکونومیکی، تنها و اصلی ترین منطقه تولیدکننده انرژی می‌باشد. (شانا، ۱۳۸۶/۵/۲، شانا)

منطقه‌گرایی در فرایند توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی ایفا می‌کند. مکاتب توسعه، خصوصاً اقتصاددانان کینزی معتقدند که تجارت، موتور توسعه در جوامع امروزی است. تجارت بین‌الملل امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های

اقتصادی بالقوه را، با توجه به مزیت‌های نسبی موجود و قابل‌خلق، به وجود می‌آورد و علائم روشنی را برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی سودآور و قابل رقابت در عرصه جهانی پدیدار می‌سازد. اقتصاد منطقه‌ای به عنوان گامی در جهت اقتصاد جهانی می‌تواند با حذف موانع گمرکی در منطقه، دسترسی شرکت‌ها به بازارهای وسیع‌تر را عملی کند، موانع را از سر راه انتقال سرمایه و تکنولوژی در محدوده منطقه بر دارد و در مجموع افق‌های گسترده‌تری را بگشاید (زین العابدین، ۱۳۹۶، ۳۵)

فرآیند منطقه‌ای شدن واکنشی به عدم توانایی الگوی دولت-ملت در دستیابی به نتایج مطلوب بوده که به تحدید حاکمیت می‌پردازد. (حسینی، ۱۳۹۴)

بیان مساله

وجود منابع عظیم نفت و گاز و دیگر منابع کانی و معدنی و نیز بازار مصرف کالا، اهمیت منطقه‌ی جنوب غرب آسیا را برجسته نموده است. بطوری که حدود ۶۵ درصد ذخایر نفتی در این منطقه قرار دارد. چنین موقعیتی، جمهوری اسلامی ایران را وامیدارد تا از این پتانسیل و اهرم قدرت، برای احقاق حقوق مسلمانان و برخورداری آنان از شان و جایگاه مناسب در عرصه نظام بین‌الملل و حل و فصل مشکلات جهان اسلام و همین‌طور حراست و پاسداری از ذخایر و ثروتهای خدادادی استفاده کند. موقعیت جغرافیایی ج.ا. ایران توان بالقوه و بی‌نظیری در بعد ژئواکونومیک دارد. از طرف دیگر دارای انرژی (نفت و گاز) زیادی می‌باشد، به گونه‌ای که رتبه دوم در ذخایر ثبت شده نفت و گاز در جهان را داراست. و هر روز نیز بر تعداد ذخایر کشف شده افزوده می‌گردد. همچنین از نظر محصولات غیر نفتی، معادن، تولیدات فرش، پوست و... دارای سهم قابل توجهی در صادرات می‌باشد. ج.ا. ایران با ۱۶۵ میلیون هکتار اراضی کشاورزی دارای ظرفیت عظیمی از تولیدات گوناگون کشاورزی، و حدود ۲۵ درصد جمعیت ایران در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. با توجه به تنوع آب و هوای ج.ا. ایران، امکان تولید محصولات گوناگون کشاورزی در نقاط مختلف فراهم می‌باشد. (کولایی، ۱۳۷۹، ۱۲۱)

خاورمیانه منطقه‌ای است که طی سالهای گذشته بیش از سایر مناطق جهان با منازعه روبرو بوده است. از ۱۴۸ مورد منازعه و جنگ که طی ۴۰ سال گذشته در جهان روی داده، ۶۳ مورد در آفریقا و آسیا، ۴۸ مورد آن در خاورمیانه، ۲۶ مورد در آمریکای لاتین و تنها ۱۱ مورد در کشورهای درجه دوم و سوم اروپایی مانند قبرس، یونان و اسپانیا بوده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸، ۴۴)

با فروپاشی و اضمحلال دو قدرت ایران و امپراتوری عثمانی، استعمار انگلیس و فرانسه مرزهای منطقه‌ی خلیج فارس را بدون رعایت اصول مردم‌شناختی، قبیله‌ای، مذهبی و سایر مولفه‌های تفکیک مرز، ترسیم نمودند. به همین دلیل این منطقه آکنده از اختلافات مرزی حل نشده است. اختلاف برسر کنترل و مالکیت سرزمین از مهمترین عوامل معمول مناقشات جنگ‌هاست. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۴۹).

جمهوری اسلامی ایران با داشتن موقعیت برجسته و منحصر به فرد از نظر ژئوپولیتیکی و همین‌طور قدرت نشر و تاثیرگذاری و الهام بخشی خود در کنار نیروی انسانی قوی، نه تنها در خاورمیانه و در بین ملل مسلمان، بلکه در دنیا تاثیرگذار است. بطوری که رابین رایت خبرنگار آمریکایی و نویسنده کتاب "شیعیان، مبارزان راه خدا" معتقد است:

"ایران سبیل اسلام مبارز است و توانسته است اسلام را به اولین پیروزی خود در قرن اخیر برساند، غالب مبارزان مومن و متعصب از ایران تقلید و پیروی می‌کنند. (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۰، صص ۸۲ و ۸۳)

با فروپاشی و اضمحلال دو قدرت ایران و امپراتوری عثمانی، استعمار انگلیس و فرانسه مرزهای منطقه ی خلیج فارس را بدون رعایت اصول مردم شناختی، قبیله ای، مذهبی و سایر مولفه‌های تفکیک مرز، ترسیم نمودند. به همین دلیل این منطقه آکنده از اختلافات مرزی حل نشده است. اختلاف برسر کنترل و مالکیت سرزمین از مهمترین عوامل معمول مناقشات جنگ هاست. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۴۹).

ج.ا. ایران برای دستیابی به قدرت برتر منطقه انگیزه بالایی دارد. اما تنشهای موجود بین ج.ا. ایران و تعدادی از کشورهای منطقه و دخالت قدرتهای بزرگ در منطقه، مانع ایجاد همگراییهای منطقه ای و منطقه گرایی در این منطقه می‌گردد و چشم اندازهای ژئواکونومی ایران در منطقه را دچار ابهام می‌کند.

با توجه به تحولات و معادلات جدید در سطح منطقه، این سؤال مطرح می‌گردد که: آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تلاش به منظور همگرایی و تحقق منطقه گرایی، روابط ژئواکونومیکی خود را با کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا بهبود بخشد و به اهداف ژئواکونومی خود نائل گردد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

- ژئواکونومی چیست؟

با پایان جنگ سرد، در قرن حاضر، شاخص قدرت رهبری برای کشورهای سرمایه دار و قدرتمند جنگی در صحنه بین‌المللی، دیگر قدرت نظامی نیست. زیرا در حال ورود به عصری شدید که نزاع مستقیم و رودر رو که نیازمند پشتیبانی نیروهای نظامی است فرصت بروز پیدا نخواهد کرد. دیپلماتها امروزه، مدعی دفاع از منافع اقتصادی و دیپلماتی هستند. وظیفه ای که هر دیپلماتی نمی‌تواند از عهده آن برآید. امروزه قدرت ملی ارتباط مستقیمی با درک مفاهیم اقتصادملی دارد. در دنیایی که به سرعت به سمت اقتصاد جهانی پیش می‌رود اهداف و منافع سیاست ملی موضوعی برای اهداف و منافع اقتصادی می‌شود. این تغییر جهت ها و ارتباط مفاهیم جدید با یکدیگر نشان‌دهنده شروع یک عصر ویژه است.

از این رو ژئواکونومی عبارت است از تحلیل استراتژیهای اقتصادی بدون در نظر گرفتن سودتجاری، که از طرف دولتها اعمال می‌شود، به منظور اقتصاد ملی یا بخشهای حیاتی آن و به دست آوردن کلیدهای کنترلی آن از طریق ساختار سیاسی و خط مشی‌های مربوط به آن (زین العابدین، ۱۳۹۶، ۱۱).

همچنین دولت از این طریق می‌تواند کنترل و اقتدار تمام منافع تولید و بخشهای کلیدی اقتصادی را به دست بگیرد و به استحکام بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی و قدرتهای اقتصادی بپردازد. به عبارتی دیگر ژئواکونومی رابطه بین قدرت و فضا را بررسی میکند. فضای بالقوه و در حال سیاسی همواره حدود و مرزهایش در حال تغییر و تحول است. از این رو آزاد از مرزهای سرزمین و ویژگیهای فیزیکی ژئوپولیتیک است. در نتیجه تفکر ژئواکونومی شامل بیشترین حوزه‌های قلمروی توسعه کشورهاست و ممکن است این اهداف استراتژی هابه وسیله کشورهای صنعتی، خارج از سبک سنتی تعیین و پیگیری شود.

در مجموع ژئواکونومی محصول مشترک دولتها و شرکتهای بزرگ تجاری و همسوبا استراتژیهای جهانی است هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمینها و دستیابی به قدرت فیزیکی نبوده، بلکه دست یافتن به استیلای تکنولوژی و بازرگانی است که در نهایت شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورد (زین العابدین، ۱۳۹۶، ۱۲).

خاستگاه تئوریهای ژئواکونومی:

سقوط جهان دوقطبی، گسستگی در نظام سیاسی جهان پدید آورده است که برخی از صاحب نظران را بر آن داشت تا ایده‌هایی را درباره چگونه پرکردن این گسست و چگونگی شکل دادن به نظام ژئوپولیتیک جهان پیش کنند. (مجته‌زاده، ۱۳۸۱، ۲۴۸).

یعنی پس از سال ۱۹۹۸ میلادی تاکنون که به ژئوپولیتیک پُست مدرن معروف است اندیشه‌های ژئوپولیتیک شکل گرفته‌اند که چنین بنظر می‌رسد ایده "ژئواکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری" ادوارد لوتواک بیش از دیگر تئوریا به واقعیت نزدیک است. حتی در تئوریهای ژئوپولیتیک نظیر نظم نوین جهانی، نظام تک قطبی و چند قطبی و.....

اقتصاد و مناسبات اقتصادی به نوعی در بطن تمامی اندیشه‌های ژئوپولیتیک عصر پست مدرن نمود آشکاری دارد (عزتی، ۱۳۸۵، ۱۰۶).

با توجه به اصل ژئواکونومی، امروزه تسلط کشورها بر بازارهای جهانی به عنوان مهم ترین عامل قدرت محسوب می‌شود. آن چه که در گذشته با تصاحب و تسلط بر مناطق استراتژیک رخ می‌داد و هزینه‌های زیادی صرف آن می‌شد هدف اصلی، نظامی‌گری بود و از این هزینه‌های اقتصادی به عنوان « ابزار » یاد می‌شد. اما در قرن بیست و یکم معیارها بطور کلی جای خود را تغییر داده‌اند و به جای ژئوپولیتیک، ژئواکونومی بر جهان حاکم شده است و معیارهای نظامی‌گری ابزاری جهت رسیدن به اهداف اقتصادی است بطوری که هم اکنون آن چیزی که ژئوپولیتیک در گذشته با نظامی‌گری دنبال می‌کرد تفکرات و پارترهای اقتصادی با نفوذ و رخنه در بازارها جایگزین آن شده است. در عصر ژئواکونومی وسایل و علل مناقشه ماهیتی اقتصادی پیدا میکند و در صورتی که منازعات و اختلافات تجاری منجر به کشمکش‌های سیاسی می‌شود، چنین درگیریهایی را می‌بایست با ابزار اقتصادی حل و فصل نمود. برای مثال کشورهای غربی به جای آنکه یکدیگر را به چشم دشمنان بالقوه نگاه کنند، شرکای عمده تجاری شدند و جای هزینه‌های هنگفت نظامی خود را به هزینه‌های بازاریابی و حمل و نقل کالا و سرمایه دادند. امروزه آنچه اهمیت دارد مسائل ژئواکونومی است نه ژئوپولیتیک و حرکت سرمایه به جای تجارت کالا و خدمات به صورت محرک اقتصاد جهانی درآمده است (محرابی، ۱۳۸۷، ۵۴).

در حقیقت جا بجایی منطق تجارت و اقتصاد سرآغاز فهم ژئواکونومیک است و این منطق اقتصاد و توسعه است که اصول منحصراً سیاسی و مرز و مرزبندی و ملی‌گرایی را کاملاً زیرسؤال برده و با توجه به امکانات مشابه منطقه «مرز اقتصادی منطقه» را بر « مرز سیاسی کشور» ارجح دانسته و آن را منطقی‌ترین نوع مرزها شناخته است. در هر حال « ژئواکونومیک» عبارت است از مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه ای یا جهانی، در تصمیم‌گیریهای سیاسی و رقابتهای قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپولیتیک

منطقه‌ای و جهانی. پایه و اساس ژئواکونومی نیز استدلالی است که از طرف ادوار دلوتواک ارائه شده است که او خبر از آمدن نظم جدید بین‌المللی در دهه نود می‌داد. بدین سان که در آن ابزار آلات اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند، به عنوان وسیله اصلی که دولتها برای تثبیت قدرت و شخصیت وجودیشان در صحنه بین‌المللی به آن تاکید می‌کنند و این ماهیت ژئواکونومی است (عزتی، ۱۳۸۵، ۱۰۷).

در واقع ژئواکونومی مفهومی است که ورود موضوع اقتصاد را به صحنه جهانی به ویژه به لحاظ انگیزه سوداگرایی تاکید میکند. به این معنا که هر زمان رقابت میان قدرتها در نظام جهانی بر موضوع اقتصاد و برداشتن مرزهای اقتصادی باشد صحبت از ژئواکونومی است (ویسی، ۱۳۸۷، ۲۹۸).

تئوری ژئواکونومی لوتواک

لوت واک جزء آن دسته از محققین طرفدار کاهش نقش نظامی‌گری پس از جنگ سرد است که به دنبال جایگزین مناسب برای نظامی‌گری می‌باشد. لوت واک معتقد است، اساس اقتصاد بازار و سوددهی مطلوب عاملی است که می‌تواند نظر سیاستمداران قدرتمند غرب را به سمت خودسوق دهد و کاهش ناشی از سود تسلیحات را توجیه پذیر نماید و بازیگران نظامی‌گرای دوران جنگ سرد را در میدان جدید با کارکردی اقتصادی مشغول نماید، تا در کل سیاست جدیدی بر جهان شکل یابد. او چنین می‌گوید: «دگر بازیکنان باقی مانده در میدان با کاهش اهمیت قدرت نظامی ماهیت کاملاً اقتصادی یابند، تنها، منطق تجارت بر امور خارجی تسلط خواهند یافت و به جای سیاست جهانی و شبکه‌ی متقاطع روابط جهانی در صحنه‌ی بین‌الملل، صرفاً، تجارت جهانی خواهیم داشت و تقابلات اقتصادی بی‌شمار در جهان به وجود می‌آید».

نکته مهم در تفکرات لوت واک آن است که او بر مطلوبت اقتصاد با وجود تضادها تاکید دارد و دلیل آن را شکل‌گیری اتحادهای اقتصادی در آینده‌ی قریب‌الوقوع می‌داند. چنان که در این زمینه می‌گوید: «در برخی موارد، منطق منجر به اتحاد اقتصادی در هر موقعیتی با سرمایه‌گذاری مشترک در تولید مشترک کالاها و خدمات مشترک بازار خواهد شد و به طور رقابتی با همکاری فعالیت در کلیه‌ی جوانب، همیشه بدون توجه به مرزها آشکار خواهد بود».

آن چه که لوت واک در برتری تجارت بر نظامی‌گری در نظر می‌گیرد، در تفاوت اصل رقابتی در هر دو حوزه است. در منطق نظامی‌گری و اقتصاد، پیروزی یکی شکست دیگری را به همراه دارد؛ اما، در منطق تجارت، به جهت سوددهی، وابستگی متقابل ایجاد می‌گردد (مولایی، ۱۳۸۲، ۱۶۳-۱۶۲).

تئوری ژئواکونومی شرایبر واس گری^۱:

شرایبر نیز با تاکید بر ژئواکونومی و اهمیت انرژی در کتاب «تکاپوی جهانی» نوشته شده است:

آمریکایی‌ها سرانجام به اهمیت عربستان سعودی پی می‌برند و کارشناسان پنتاگون به این نتیجه می‌رسند که هر که این قلعه را در دست داشته باشد، برتری بزرگی خواهد داشت و تا به آنجا می‌رسند که می‌گویند ظرف ده سال آینده هرکه بر عربستان و خاورمیانه مسلط باشد، بر همه‌ی قاره‌ی اروپا مسلط خواهد بود.»

او استدلال می‌کند، طبیعی است که هر کشوری بر قاره‌ی اروپا مسلط شود، بر جهان حکومت خواهد کرد. چنان که، در جنگ جهانی دوم، منطقه‌ی خلیج فارس محور اصلی موفقیت متفقین در برابر آلمان بوده و امروزه نیز، نه تنها منابع

طبیعی به ویژه نفت و گاز این منطقه را به صورت قلب جهان درآورده است؛ بلکه شریان تجارت جهانی در این منطقه قرار دارد (الهی، ۱۳۸۴، ۱۹).

به همین دلیل است که کولین اس‌گری نویسنده کتاب ژئوپولیتیک عصر هسته‌ای در سال ۱۹۷۹ می‌نویسد «ژئوپولیتیک عبارت است از روابط تغییر ناپذیر بین جغرافیا و استراتژیک». او در جای دیگر امنیت را با ژئوپولیتیک برابر می‌بیند و با اشاره به اهمیت تنگه هرمز در رابطه با تامین نفت می‌نویسد: «جغرافیا انرژی است، انرژی اقتصاد است، اقتصاد امنیت است و امنیت ژئوپولیتیک». منطقه‌گرایی:

منطقه‌گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل، تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد.

در ادبیات روابط بین‌الملل، رژیونالیسم هنگامی کاربرد دارد که دولتهای واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاریهای نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. منطقه‌گرایی اقتصادی را تمایل گروهی از کشورها در یک محدوده جغرافیایی مشخص برای همگرایی اقتصادی در بین خود تعریف کرده‌اند که از اولین نشانه‌های آن، انعقاد موافقتنامه‌های ترجیحی و رشد میزان تجارت و سرمایه‌گذاری بین آنها و در نهایت، تشکیل یک بلوک اقتصادی است (زین‌العابدین، ۳۱، ۱۳۹۶).

منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل به گسترش شایان توجه همکاریهای سیاسی و اقتصادی میان دولتها و سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی ویژه‌ای اشاره دارد. اصولاً منطقه به صورت ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه‌بالای تعاملات، چارچوبهای نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود.

سابقه فرایند همگرایی و همکاری بین‌الملل در دنیا به قرن هفدهم میلادی برمی‌گردد، اما می‌توان گفت تکوین و سپس اوج‌گیری منطقه‌گرایی جدید، از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. منطقه‌گرایی نوین دارای شباهتهای ماهوی با موج قدیم منطقه‌گرایی است، اما تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. در منطقه‌گرایی نوین، نقش دولت-ملتها در ایجاد فرایند منطقه‌گرایی، تا حدودی به چالش کشیده می‌شود و بر اهمیت نقش کنشگران غیردولتی افزوده می‌شود. همچنین، منطقه‌گرایی نه تنها از منظر امنیتی و اقتصادی، بلکه از منظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی نیز مورد توجه است. در نظم موجود منطقه‌ای و جهانی، امنیت ملی هر کشور از طریق تلاش آن دولت و ملت برای کسب و افزایش ثروت ملی راحت تر ممکن می‌شود تا از مسیر تلاش برای ساخت و تجمیع امکانات سخت‌افزاری تامین امنیت ملی، این اصل اساسی امروز از طریق همکاری منطقه‌ای و در ادامه با تعامل و وابستگی متقابل جهانی میسر می‌شود تا با گامهای انفرادی و بدون همکاری و پشتیبانی منطقه‌ای و جهانی. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان کشوری مهم و تاثیرگذار در منطقه راهبردی، با پایان یافتن جنگ تحمیلی و به‌ویژه بعد از روی کار آمدن دولت سازندگی تا کنون، اگرچه با فراز و نشیب‌هایی همواره با اتحاد رویکرد منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای و با بهره‌گیری از ظرفیتهای و سازمانهای بین‌المللی، به این موضوع مهم توجه داشته است، اما برخلاف این تلاشها، نتوانسته است در راستای اهداف مورد نظر خود از رویکرد منطقه‌گرایی بهره لازم را ببرد، زیرا ایران به دلیل موقعیت

ژئوپولیتیکی بی‌بدیل خود، از جمله واقع شدن در بین بحرانهای منطقه‌ای عراق و افغانستان و همسایگی با کانونهای بحران خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای جنوبی (هند و پاکستان) و بازیگر مهم بحران سوریه و چالشهای لبنان، به هر شکل ممکن با مسائل امنیت بین‌الملل در ارتباط مستقیم است. جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش و تکاپوی خود را طی حیات سیاسی‌اش، صرف دفاع از استقلال سیاسی و صرف گفتمان حفظ محوری کرده است. از این رو، می‌توان گفت تنها واحد سیاسی در خاورمیانه است که ابتدا یک واحد امنیتی، سپس یک واحد سیاسی و در انتها یک واحد معدنی، تجاری و اقتصادی قلمداد می‌شود و به نظر می‌رسد تا زمانیکه نتواند مانند بسیاری از کشورهای تاثیرگذار دنیا، حداقل در سطح سیاستهای اعلامی، خود را به‌عنوان یک بازیگر با رویکرد اقتصادی و تجاری در موضوع منطقه‌گرایی معرفی کند، بهره‌گیری از ظرفیت منطقه‌گرایی در روابط خارجی ایران با موانعی مهم و جدی روبه‌رو است (برزگر، ۱۳۸۸)

یافته‌های تحقیق

جایگاه منطقه جنوب غرب آسیا و خلیج فارس در نظریه‌های ژئواکونومیک

در آغاز هزاره جدید، ژئوپولیتیک خلیج فارس دچار تحولات اساسی شده است. در نظریه‌های ژئوپولیتیکی گذشته، خلیج فارس جزو سرزمین‌های حاشیه‌ای به شمار می‌رفت. اما، در نظریه‌های جدید ژئوپولیتیکی، خلیج فارس به سرزمین هارتلند یا محور یا «مرکز مرکزها» تبدیل شده است (زین العابدین، ۱۳۸۶:۱۶). در نظریه‌های ژئواکونومیک که در اوایل قرن بیست و یک مطرح شده، خلیج فارس موقعیت بی‌نظیری پیدا کرده است؛ به طوری که، هیچ منطقه‌ای در جهان نمی‌تواند از این نظر با آن رقابت کند. این عوامل موجب شده تا حوزه خلیج فارس در نظام جدید جهانی، بیش از گذشته مورد توجه ایالات متحده آمریکا قرار گیرد. چراکه، بر اساس نظریه مرکز مرکزهای یوردیس فون لوهازن، در مرکز جهان، خاورمیانه واقع شده است و در مرکز خاورمیانه خلیج فارس قرار گرفته که در شمال غربی آن نقطه‌ای به نام اور قرار دارد که از دو طرف با رودخانه‌های دجله و فرات به یک اندازه فاصله دارد. از این طریق تسلط بر این نقطه می‌توان بر خلیج فارس حاکم شد و تسلط بر خلیج فارس، کنترل خاورمیانه و حتی کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی را ممکن سازد.



نقشه شماره ۱: منطقه جنوب غرب آسیا (خاورمیانه)

پنج تولیدکننده خلیج فارس ۶۵ درصد ذخایر اثبات شده جهان را در اختیار دارند. نفت آنها، از لحاظ هزینه تولید، ارزانترین است و در صورتی که صنعت نفت یک صنعت رقابتی می‌بود، احتمالاً تبدیل به منبع اختصاصی دنیای نفت می‌شدند. وجود نفت در خاورمیانه تاثیر قابل توجهی در تثبیت سیستم منطقه‌ای دولت در خاورمیانه داشته است. همچنین در سیاست داخلی کشورهای عرب به تثبیت رژیم‌هایی انجامیده است که احتمالاً نمی‌توانستند در صورت نبود رانت نفت، در قرن بیست و یکم دوام بیاورند. نفت عامل مهمی در شکل‌گیری دولتهایی بوده است که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی بوجود آمدند (فاست، (۱۳۸۶)، (۱۴۶).

نفت و علاقه به آن چه از دید داخلی و چه از نظر گاه روابط بین‌المللی تاثیر عمیقی بر اقتصاد سیاسی خاورمیانه داشته و دارد. نفت بیشتر یک کالای سیاسی شناخت می‌شود و به خاطر اهمیت محوری که به عنوان منبع اولیه انرژی داراست، دولتها همواره دغدغه تداوم جریان آن را داشته و به دنبال کاهش وابستگی خود به واردات آن هستند. خاورمیانه نقش ویژه‌ای را در صنعت نفت جهانی بازی میکند (فاست، (۱۳۸۶)، (۱۴۸-۱۴۷)

نفت، هم در بعد منطقه‌ای برای نمونه در روابط اعراب با یکدیگر، و هم در بعد وسیع بین‌المللی به عنوان نمونه در رابطه با کشورهای صنعتی یا دیگر کشورهای در حال توسعه، عامل مؤثری در تعیین روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه است (فاست، (۱۳۸۶)، (۱۵۹)

طبق برآورد سال ۲۰۱۶ میلادی، خاورمیانه حدود ۹/۳۱ درصد از مجموع تولید نفت جهانی و ۴۱ درصد از مجموع ذخایر گاز جهانی را دارد (British Petroleum. 2009. 22)

بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، تا سال ۲۰۲۲، بازار جهانی گاز طبیعی از ۴ تریلیون متر مکعب عبور خواهد کرد. بازارهای نوظهور آسیایی، که در راس آن چین قرار دارد، نیمی از این رشد را به خود اختصاص می‌دهند. در این میان خاورمیانه نقشی تعیین‌کننده در تامین گاز طبیعی دنیا خواهد داشت (Energypost24.com. (1398/2/30)

آژانس بین‌المللی انرژی با انتشار گزارش چشم انداز جهانی انرژی ۲۰۱۷ اعلام کرد: تولید روزانه جهانی نفت در سال ۲۰۴۰ میلادی ۱۰۱ میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه خواهد بود. خاورمیانه با تولید ۶/۳۷ میلیون بشکه نفت بیشترین میزان تولید را به خود اختصاص خواهد داد و قاره آمریکا نیز با ۲۴ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در ردیف دوم قرار خواهد گرفت. میزان تولید روزانه کشورهای عضو سازمان اوپک به ۴۶ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه خواهد رسید و سهم این کشورها در تولید جهانی نفت خام بالغ بر ۴۶ درصد خواهد بود. حجم تولید جهانی گاز طبیعی تا سال ۲۰۴۰ به ۳/۵ تریلیون مترمکعب خواهد رسید. از این میزان یک تریلیون و ۳۳۸ میلیارد متر مکعب در آمریکای شمالی و یک تریلیون و ۹۵ مترمکعب نیز در منطقه اوراسیا تولید خواهد شد (www.trt.net.tr.nov.15.2017)

همچنین آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) اعلام کرد: تقاضای مصرف انرژی دنیا در سال ۲۰۴۰ با ۲۶,۷۰ درصد افزایش، به ۱۷ میلیارد و ۷۱۵ میلیون تن نفت خواهد رسید. کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه، از جمله چین در این مدت با تقاضای ۸ میلیارد ۲۰۱ میلیون تن نفت، بیشترین افزایش مصرف انرژی را خواهند داشت. کشورهای آمریکای شمالی و اروپا نیز به ترتیب ۲ میلیارد و ۶۹۳ میلیون و یک میلیارد و ۷۵۲ میلیون تن نفت در بازه زمانی

مذکور خواهند خرید. علاوه بر این، کشورهای آفریقایی و خاورمیانه هم به ترتیب یک میلیارد و ۲۹۹ میلیون و یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تن نفت مصرف خواهند کرد. (<https://www.aa.com.tr/nov.13.2018>)

اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر حوزه خلیج فارس در قالب یک زیرسیستم قدرت منطقه‌ای همواره مورد توجه ویژه نظام بین الملل و قدرتها بوده است. این منطقه پس از کشف نفت بعنوان بین‌المللی ترین منطقه جهان معرفی شده است. این روند پس از تحولات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، به مراتب گسترده تر شده است.

توان‌مندیهای ژئواکونومی ایران

از نظر منابع طبیعی، ایران سومین ذخایر بزرگ شناخته شده نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. همچنین نخستین رتبه جهانی در معادن روی، دومین رتبه جهانی در معادن مس، نهمین رتبه جهانی در معادن آهن، دهمین رتبه جهانی در معادن اورانیوم، و یازدهمین رتبه جهانی در معادن سرب را دارد. به عبارت دیگر، ایران با داشتن ۱ درصد جمعیت جهان، بیش از ۷ درصد منابع معدنی جهان را در اختیار دارد. در زمینه تولید محصولات صنعتی پایه مانند سیمان و فولاد نیز، ایران در رتبه‌های مناسب جهانی قرار دارد. (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۲۸)

محیط اقتصادی ایران با برخورداری از استعدادهای متعدد بالقوه و بالفعل عملاً "مستعد رونق و شکوفایی در حوزه‌های مناسبات و روابط اقتصادی و تجاری با بسیاری از کشورها در سطوح گوناگون بین‌المللی می‌باشد. لذا محورها و شاخصهای عمده‌ای که می‌توانند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و تعاملات اقتصادی در ورود سرمایه به ایران و حضور موثر ایران در بازارهای جهانی را به ارمغان آورند، می‌توان به شرح زیر مطرح نمود: رشد مثبت اقتصادی، جمعیت جوان و تحصیل کرده، غنی به لحاظ ذخایر طبیعی و معدنی، زیرساخت‌های اقتصادی گسترده، متنوع در حوزه‌های اقتصادی و غنی به لحاظ ذخایر هیدروکربنی و نفتی، چهارمین تولیدکننده نفت در جهان، دارای دومین ذخیره گازی جهان، دارای پتانسیلهای مناسب در صنعت توریسم و اکوتوریسم، یکی از دارندگان بزرگترین و بیشترین میزان صنایع در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا، دارای رتبه‌های چهارم تا دهم دنیا در تولید روی و کبالت، حائز رتبه برتر در ذخایر آلومینیم، منگنز و مس در جهان، دارای برتریهای نسبی به لحاظ تنوع در تولیدات محصولات کشاورزی در جهان (رشنو، ۱۳۹۲، ۱۲۳)

سیاستهای اقتصادی ایران در ده سال اول ج.ا.ایران از لحاظ جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به علل مختلف عمدتاً با واکنشهای منفی محافل و سازمانهای مالی جهانی روبه رو بود. سیاست بی‌اعتنایی به نظام بین‌المللی، دولتی کردن بانکها و کارخانه‌های بزرگ، محدودیت در قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاریهای خارجی، بی‌ثباتی‌های سیاسی و میزان ریسکهای موجود در سرمایه‌گذاری‌های خارجی از عوامل اصلی بازدارنده در جلب سرمایه‌های خارجی به داخل کشور بودند. (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۶)

منطقه‌گرایی در خاورمیانه

بر خلاف اتحادیه اروپا که ابتدا با اهداف امنیتی و سپس اقتصادی شروع به کار کرد و اکنون تا حدود زیادی شاهد

همگرایی سیاسی، حقوقی و فرهنگی در میان اعضای آن هستیم، منطقه‌گرایی در خاورمیانه علی‌الاصول بر پایه‌های هنجاری و نرم افزاری بوده است. بنابراین جز در مواردی که اهداف اتحادیه‌ها بیشتر رنگ اقتصادی داشته و یا کم کم به آن سمت و سو رفته نشانی از موفقیت در رسیدن به اهداف اولیه، ایجاد همگرایی و یا پیوند با روند جهانی شدن نمی‌بینیم.

اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج (فارس)، اوپک، فقط اوپک یک نهاد تخصصی و در حوزه‌ی اقتصادی است و از چند لحاظ اهمیت جدی دارد. با توجه به اینکه اوپک از یک سو از جمله معدود سازمانهای بین‌دولتی موفق در جهان سوم به شمار می‌رود و از سوی دیگر با توجه به عدم کارایی و موفقیت سازمانهای هنجاری و فرهنگی مانند سازمان کنفرانس اسلامی در افزایش همکاری میان کشورهای منطقه به نظر میرسد یک سازمان کارکردی و سودگرا همانند اوپک نقش جدی تری در آینده همگرایی خاورمیانه ایفا می‌کند (الوندی، ۱۳۸۹)

استوارت ام پاتریک در مقاله آینده منطقه‌گرایی در خاورمیانه می‌گوید: آیا این بیابان ثمره خواهد داد؟ تنها کورسوی امیدی وجود دارد که بهار عربی بتواند تغییر جدید چندجانبه‌ای در خاورمیانه به وجود آورد. در زمینه سازمان‌های منطقه‌ای خاورمیانه و آفریقای شمالی عقیم‌ترین منطقه جهان است یا حتی در زمینه فرعی هیچ ساختار قوی برای همکاری امنیتی وجود ندارد. و همچنین هیچ چارچوب سیاسی برای بحث درباره تفاوتها و ارتقاء همکاری در زمینه مشکلات مشترک وجود ندارد، از ترویج مبارزه با تروریسم تا پیشبرد امنیت انرژی تا بیابان زدایی. نهادهای موجود در منطقه در طول تاریخ ضعیف بوده (مانند لیگ عربی). این منطقه همچنین در بین کمترین یکپارچگی اقتصادی جهان قرار دارد. که در مقدار تجارت و اشتباهات سرمایه‌گذاری، حمل و نقل و ارتباطات مخابراتی یا جریان آزاد کار؛ کمتر از ۱۰ درصد از تجارت این منطقه مربوط به ارتباط بین منطقه‌ای است..

چالش‌های منطقه‌گرایی ایران

یکی از مشکلات تاریخی در عرضه فعالیت‌های اقتصادی که ایران را عذاب داده و مانعی مهم برای پیوستن این کشور به نظام اقتصاد منطقه‌ای و در عصر کنونی جهانی شدن به فرآیند جهانی شدن اقتصاد است، این حقیقت تلخ بوده که ایران تا به امروز نتوانسته است ظرفی اقتصادی باشد، حال آنکه همه واحدهای سیاسی در گام اول یک ظرف اقتصادی در گام دوم به ظرف سیاسی و سپس یک ظرف امنیتی برای ملت خود هستند. به نظر می‌رسد ایران در طول تاریخ و شاید به دلیل موقعیت چهار راهی که داشته و از هر سو مورد تاخت و تاز و تهاجم بوده است، مهمترین دغدغه خود را تامین امنیت ملی می‌داند و به دلیل آنکه نتوانسته است به شکل کامل به حل این مشکل بپردازد، همچنان در این شرایط و موقعیت باقی مانده و روزگار را سپری کرده است.

همایون کاتوزیان معتقد است: بر خلاف اروپا، در ایران انباشت دراز مدت سرمایه تجاری (که می‌توانست به انباشت سرمایه فیزیکی، کشاورزی و صنعتی منجر شود) صورت نگرفت. انباشت سرمایه تجاری نیازمند چشم‌پوشی از مصرف حال _ پس انداز است و پس انداز طولانی نیازمند وجود حداقلی از امنیت در فاصله زمانی معقول است. دارایی مالک در زمان حیات و پس از مرگ او نباید در معرض خطر دست‌درازی خودسرانه باشد و پس انداز کننده باید انتظار حداقلی را از آرامش و ثبات در آینده داشته باشد. طبقات پولدار ایران نمی‌توانستند روی دریافت چنین حمایت و امنیتی از جانب هیچ یک از گروه‌های اجتماعی حساب کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۶_۱۵)

حسین عظیمی، یکی از پژوهشگران در زمینه علل توسعه نیافتگی اقتصاد ایران می‌گوید: اگر به این مسائل با دقت توجه شود ایران از دوران مشروطیت تا زمان اخیر پیوسته درگیر مبارزه برای تثبیت وضعیت سیاسی خود بوده و این که در جریان مبارزات و تحولات سیاسی کمتر فرصت پرداختن به مسائل اقتصادی را داشته است، مسئله روشن تر می‌شود، چند سال پس از انقلاب مشروطیت آثار جنگ جهانی اول دامگیر ایران می‌شود و هنوز از مصائب و مشکلات ناشی از آن خلاصی نیافته، دچار تحول سلطنت از قاجار به پهلوی می‌شود؛ از آن به بعد نیز بار دیگر جنگ جهانی پیش می‌آید و ایران نیز به سهم خویش درگیر می‌کند؛ و هنوز مسائل جنگ دوم را پشت سر نگذاشته قضایای ملی شدن نفت پیش می‌آید و سپس حکومت کودتا و تحولات سالهای ۱۳۴۰ و نهایتاً همه این تحولات پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می‌انجامد. ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران درگیر جنگ تحمیلی ۸ ساله میشود که پس از جنگ ویتنام طولانی ترین جنگ تاریخ ۲۰۰ ساله جهان به شمار می‌آید. در هر حال، طی تمامی این مدت ایران از لحاظ تاریخی روی آرامش و ثبات را ندیده است که بتواند به مسائل اقتصادی و توسعه اقتصادی خود پردازد. در این دوران کشور عمدتاً درگیر این بوده است که به نحوی نظام سیاسی- اجتماعی مناسبی برای خود پیدا کند. جامعه این فرصت را به دست نیاورده است که دستاوردهای فناورانه را حاصل کند و در درون توسعه بر آنها تکیه زند (عظیمی ۱۳۸۴، ۳۲۴).

جمهوری اسلامی ایران هیچگاه پدیده‌ای اقتصادی نبوده و انتقال از فاز امنیتی به اقتصادی با مشکلات ساختاری همراه بوده است. جمهوری اسلامی ایران به طور روشن در طول جنگ تحمیلی ریاست جمهوری خاتمی، پدیده‌ای سیاسی-امنیتی بود. دوره سازندگی هاشمی رفسنجانی نیز در کنار فعالیت‌های سیاسی و امنیتی کشور حرکت کرد و در دوره دوم ریاست جمهوری ایشان، بسیاری از مسائل اقتصادی تحت الشعاع مسائل سیاست داخلی و امنیت بین‌المللی بود و با تحریم‌های وسیع آمریکا رو به رو شد. اینکه جمهوری اسلامی ایران پدیده‌ای اقتصادی نبوده نه تنها با خاستگاه ایدئولوژیک آن تطابق دارد، بلکه با پایگاه طبقاتی رجال سیاسی و ابزاری آن نیست سنخیت دارد (سریع القلم، ۱۳۸۴، ۱۰۷ - ۱۰۸).

می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش و تکاپوی خود را طی حیات سیاسی اش صرف دفاع از استقلال سیاسی و گفتمان حفظ محوری کرده است. از این رو، می‌توان گفت تنها واحد سیاسی در خاورمیانه است که می‌توان آن را ابتدا یک واحد امنیتی، سپس یک واحد سیاسی و در انتها یک واحد معدنی، تجاری و اقتصادی قلمداد کرد. به نظر می‌رسد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بسترساز شرایط و وضعیت موجود اقتصادی ایران و زمینه ساز ناتوانی ایران برای پیوستن به نظم موجود منطقه‌ای در پیرامون خود و جهانی و ماتریس قدرت و ثروت باشد. قانون اساسی ایران با فرایند تبدیل کشور به ظرفی اقتصادی و مقدم بر ظرف امنیتی در شرایط منطقه‌گرایی نوین در قرن بیست و یکم و جهانی شدن در اختلاف که در تناقض اصولی است؛ بنابر این، ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با نظم اقتصادی و جهانی حاکم بر دنیای امروز هم در ابعاد منطقه‌ای و هم در ابعاد جهانی سر ناسازگاری دارد و خود را با این شرایط در نبود تناسب، همراهی و همکاری می‌بیند. شاید یکی از اشکالات مهمی که در افکار و اندیشه‌های دولتمردان ایران از ابتدا تا کنون می‌توان ردیابی کرد این بوده است که مقوله امنیت برای ایران سخت‌افزار ایست و تهدید ایران موضوعی بیرونی منطقه‌ای (اسرائیل) و فرمانطقه‌ای (آمریکا انگلیس و...) است، پس باید

ایران بیشتر بر پدیده‌های سخت افزاری تامین امنیت و در ساخت سلاح‌ها و جنگ افزارها تلاش کند، آنکه تجربه کنونی موجود در جامعه ایران چنین نیست. یک بار دیگر باید متذکر شد که در نظم موجود منطقه‌ای و جهانی، امنیت ملی هر کشوری از طریق تلاش آن دولت و ملت برای کسب و افزایش ثروت ملی راحت تر ممکن می‌شود تا از مسیر تلاش برای ساخت و تجمیع امکانات سخت افزاری تامین امنیت ملی و این اصل اساسی، امروز از طریق همکاری منطقه‌ای و سپس در ادامه همکاری و وابستگی متقابل جهانی ممکن می‌شود تا با گامهای انفرادی و بدون همکاری و پشتیبانی منطقه‌ای و جهانی.

به صراحت می‌توان گفت دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در تاریخ پس از انقلاب حتی با وجود برداشتن گام‌های اساسی در عرصه اقتصادی، سیاسی و امنیتی در دو حوزه منطقه‌گرایی، و جهانی‌سازی، نتوانسته‌اند با جهان همراه شوند و با توجه به ماهیت عقیدتی نظام سیاسی، برای پیوستن به این دو پدیده نوظهور بعد از جنگ سرد دچار تضاد و تناقض حل‌ناشدنی هستند. در فرآیند منطقه‌گرایی نوین، اصل و بنای فعالیت و هر نوع اقدامی بر محور اقتصاد و بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در مسائل اقتصادی متمرکز است و در این وابستگی متقابل منطقه‌ای دیگر نباید به دنبال استقلال اقتصادی بوده بلکه ساختار اقتصادی کشورها در نظامی منطقه‌ای در تار و پود اقتصادی‌های کشورهای منطقه‌ای قرار می‌گیرد و این شاید چندان خوشایند دولتمردان سنتی انقلابی دهه اول و حتی دوم کشور نباشد. (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴، ۷۰۵)

نتیجه‌گیری

علاوه بر اهمیت نظامی و استراتژیکی منطقه خاورمیانه، اهمیت اقتصادی این منطقه نیز بسیار حیاتی بوده و توجه قدرتهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در طول تاریخ بویژه پس از دوران کشف نفت و اهمیت حیاتی آن در صنایع، به خود جلب نموده است. اهمیت انرژی در دنیای صنعت و به فروش رساندن کالاهای صنعتی در بازارهای مصرف بر کسی پوشیده نیست و این منطقه هر دوی آن را داراست. هم ذخیره عمده انرژی جهان را در خود نهفته دارد و هم بازارهای پر مصرف آن منافع خیره‌کننده‌ای را به ارمغان می‌آورد.

کشور ایران موقعیت ممتازی در بین کشورهای خاور میانه دارد. سرزمینی حایل بین دریای مدیترانه و شرق آسیا، و نیز بین روسیه، قفقاز، آسیای مرکزی و منطقه بسیار استراتژیکی خلیج فارس و آب‌های آزاد می‌باشد. موقعیت جغرافیایی ایران توان بالقوه بی‌ظنیری در بعد ژئواکونومیک دارد. از طرف دیگر دارای انرژی (نفت و گاز) زیاد می‌باشد، به گونه‌ای که رتبه دوم ذخایر ثبت شده نفت و گاز در جهان را دارا است. و هر روز نیز بر تعداد ذخایر کشف شده افزوده می‌گردد. همچنین از نظر محصولات غیر نفتی، معادن، تولیدات فرش، پوست و... دارای سهم قابل توجهی در صادرات می‌باشد. ج.ا.ایران با ۱۶۵ میلیون هکتار اراضی کشاورزی دارای ظرفیت عظیمی از تولیدات گوناگون کشاورزی، و حدود ۲۵ درصد جمعیت ایران در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. با توجه به تنوع آب و هوای ج.ا.ایران، امکان تولید محصولات گوناگون کشاورزی در نقاط مختلف فراهم می‌باشد.

بر خلاف اتحادیه اروپا که ابتدا با اهداف امنیتی و سپس اقتصادی شروع به کار کرد و اکنون تا حدود زیادی شاهد همگرایی سیاسی، حقوقی و فرهنگی در میان اعضای آن هستیم، منطقه‌گرایی در خاورمیانه علی‌الاصول بر پایه‌های هنجاری و نرم افزاری بوده است. بنابراین جز در مواردی که اهداف اتحادیه‌ها بیشتر رنگ اقتصادی داشته و یا کم

کم به آن سمت و سو رفته نشانی از موفقیت در رسیدن به اهداف اولیه، ایجاد همگرایی و یا پیوند با روند جهانی شدن نمی‌بینیم.

منافع اقتصادی، اصلی‌ترین دلیل گسترش همکاریهای اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی بین کشورهاست، با توجه به روند کنونی اقتصادی که به سمت یکپارچگی و جهانی شدن پیش می‌رود، همکاریهای منطقه‌ای می‌تواند نقش مهمی در حضور گسترده تر کشورها در صحنه‌های بین‌المللی داشته باشد.

یکی از ویژگیهای اصلی اقتصاد جهانی رقابت روزافزون کشورها برای یافتن بازارهای جدید است. به همین منظور در چند سال گذشته، حضور بیشتر در صحنه تجارت بین الملل از برنامه‌های اصلی سیاستگذاران اقتصادی کشورها قرار گرفته است. ضمن اینکه در این دوره رشد روزافزون تکنولوژی‌های ارتباطی به روابط تجاری بین کشورها کمک کرده است.

منطقه‌گرایی درخاورمیانه در جایی که هدف یا رویکرد اصلی اش همکاری اقتصادی بوده موفق تر از زمانی که اهداف هنجاری همچون ایده‌های پان عربیسم و پان اسلامیسم داشته عمل کرده و نتایج بهتری در ایجاد همگرایی در سطح منطقه و برقراری ارتباط و همکاری با مناطق دیگر داشته است.

حضور فعال ایران در مناطق جغرافیایی مختلف جهان تا جایی که به اهداف اقتصادی، سیاسی-امنیتی و راهبردی ایران هماهنگ باشد به نفع یک قدرت در حال رشد و منطقه‌ای مانند ایران است که بتواند از پتانسیل‌های مناطق پیرامون اش برای بهره برداری و ارتقای منزلت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود بهره لازم را ببرد و حمایت کشورهای برتر - که برای انزوای ایران تلاش می‌کنند- به دست آورند. منطق، ضرورت و فضای غالب بعد از جنگ سرد تا کنون در نظام بین‌المللی مبتنی بر پارادایم گفتگو، تعامل، همکاری و ائتلاف همگرایی منطقه‌ای و جهانی بوده است. با تغییر گفتمانی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره اخیر (۱۳۹۲ به بعد) صورت گرفته است در راستای راهبرد کلان نوین ملی - که توسعه تعامل با جهان است - نگرش گام نهادن در مسیر منطقه‌گرایی می‌تواند نفوذ ژئوپلیتیکی ایران را ارتقا بخشد و تهدیدهای امنیتی را کاهش دهد و همچنین می‌تواند منابع لازم را برای توسعه ایران فراهم کند، زیرا امروز بخش مهمی از تهدیدات ایران داخلی و ناشی از عقب ماندگی اقتصادی و فقر ناشی از آن است.

رویکرد منطقه‌گرایی ایران همواره با صبغه و برتری‌گرایی‌های امنیتی و سیاسی دنبال شد، حال آنکه تجارب موفق منطقه‌گرایی در دنیا با برتری دستور کارهای اقتصادی، نرم افزار آن و غیر امنیتی بوده است.

ایران با دارا بودن درصد قابل توجهی از ذخایر انرژی نفت و گاز جهان و ظرفیتهای دیگر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی از نقش متناسبی در بازارهای جهانی و نیز در منطقه جنوب غرب آسیا به منظور ایجاد ترتیبات منطقه‌ای برخوردار نیست.

با وجود آنکه در قلمروهای ژئواکونومی جدید، ایران دارای نقش بی بدیل بویژه در منطقه جنوب غرب آسیا و خلیج فارس می‌باشد اما از رهبری ژئوپلیتیکی منطقه و قدرت تاثیرگذاری در همگرایی‌های منطقه‌ای محروم است.

با توجه به معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا، ج.ا.ایران با ایجاد روابط حسنه با کشورهای منطقه و اجرای سیاست تنش زدایی و استفاده از ظرفیتهای ژئواکونومی ویژه‌ای که در این منطقه حساس جهان دارد می‌تواند به

عنوان یک بازیگر مهم در عرصه ارتباطات اقتصادی و همگراییهای منطقه‌ای و منطقه‌گرایی به عنوان بازیگر اول در این منطقه تبدیل گردد.

منابع

- اخباری، محمد، ۱۳۸۳، ساختار ژئوپولیتیکای جهان و تاثیر آن بر خاورمیانه، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپولیتیک ایران، تهران، سازمان جغرافیایی.
- کیهان برزگر، (۱۳۸۸)، منطقه‌گرایی در سیاست خارجه ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای سال دوم) زمستان ۱۳۸۸
- کاتوزیان، محمد علی همایون، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی، ترجمه علیرضا طیب، نشر مرکز، تهران
- الوندی، فاطمه، ۱۳۸۹، بررسی منطقه‌گرایی خاورمیانه‌ای و اروپایی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح- ipsc، peace-ipsc.org
- پیشگاهی فرد، زهرا و محمد علی رحمانی، ۱۳۹۰، قلمروخواهی ایران و آمریکا در خاورمیانه، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- حسینی، لطفه، ۱۳۹۴، نقش منطقه‌گرایی در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای، فصلنامه پژوهشهای تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴.
- زین العابدین عموقین، یوسف، ۱۳۹۶، ژئوپولیتیک (ایده-کاربرد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- الهی، همایون، ۱۳۸۴، خلیج فارس و مسائل آن، نشر قومس.
- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۸، چالشها و منازعات در خاورمیانه، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عزتی، عزت اله، ۱۳۸۴، ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، پاکستان و هند، فصلنامه ژئوپولیتیک ایران.
- عزتی، عزت اله، ۱۳۸۵،
- خبرگزاری شانا، ۱۳۸۶/۵/۲
- فاست، لویس، ۱۳۸۶، روابط بین‌المللی خاورمیانه، ترجمه: احمدسلطانی نژاد، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- کولایی، الهه، ۱۳۷۹، اکو و همگرایی منطقه‌ای، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران.
- کمپ، جفری و رابرت هارکاو، ۱۳۸۳، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه جلد ۱ و ۲، ترجمه: سید مهدی حسینی متین، پژوهشکده راهبردی، تهران.
- رشنو، نبی اله، ۱۳۹۲، ژئوپولیتیک و دیپلماسی اقتصادی ایران، نشر مرکز ملی جهانی شدن، ریاست جمهوری.
- صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، جلد سوم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران
- زین العابدین عموقین، یوسف، ۱۳۸۶، درآمدی بر جغرافیای سیاسی پیشرفته، انتشارات کتیبه گیل، رشت.
- عزتی، عزت اله، ۱۳۸۵، استراتژی آمریکا در خلیج فارس، همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۵/۱۱/۹.
- ویسی، هادی، ۱۳۹۶، جغرافیای منطقه خلیج فارس، انجمن ژئوپولیتیک ایران.
- مجتهد زاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت، تهران.
- محرابی، علیرضا و حسین مهدیان، ۱۳۸۹، انرژی و امنیت ملی ایران، نشر انتخاب.
- ولایی، علیرضا، ۱۳۸۲، نقدی بر خواندنیهای ژئوپولیتیک، معاونت پژوهشی امام باقر(ع).
- خبرگزاری شانا ۱۳۸۶/۵/۲.
- بهادر زارعی و دیگران، ۱۳۹۴، منطقه‌گرایی و چالشهای آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشهای جغرافیای انسانی شماره ۴ زمستان ۱۳۹۴
- سریع القلم، محمود، ۱۳۸۴، ایران و جهانی شدن، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران

هاشمی، فاطمه و نبی‌اله رشنو، ۱۳۹۵، ایران و تحولات ژئواکونومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

british peter 2009

energypost 24 1398

www.trt.net.tr nov 2017

<https://www.aa.com> 2018

Stewart M. Patrick.

foreignaffairs.com 2012